

تأثير اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه و بررسی آن از منظر نقد اجتماعی

سید محمد رضا خضری^۱ (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران)عبدالله نوری زاد*^۲ (استاد مدعو دانشگاه گنبد کاووس)DOI: [10.22034/jilr.2024.140966.1153](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.140966.1153)

تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۳/۱۷

صفحات: ۸۵-۱۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

چکیده

دین اسلام باعث پیدایش مفاهیمی نو در ادب و یا سبب اصلاح و تاکید بعضی مضامین دیگر شد. شاعران صدر اسلام به دفاع از اسلام پرداخته و با سلاح قلم و شمشیر در برابر باطل ایستادند که از بارزترین این شاعران عبدالله بن رواحه است. در این بحث کوشیده‌ایم تا تاثیر اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه و میزان اثر پذیری وی از مفاهیم اسلامی و نگاه ناقدانه وی به برخی معاییر جامعه جاهلی سپس سعی وی در اصلاح آنها با سلاح شعر را از منظر نقد اجتماعی با شیوه تحلیلی توصیفی بررسی کنیم. از نتایج این تحقیق این است که اشعار اسلامی عبدالله دارای مفاهیم خالص اسلامی بوده، یا تأکیدی است بر مضامین مقبول دوره جاهلی که اسلام بر آن صحنه گذاشته است. شاعر در اشعار اسلامی خود کوشیده است تا آموزه‌های اسلام از جمله شهادت در راه فضیلت، هدف بودن آخرت و وسیله بودن دنیای فانی را بیان کند، و دعوت به دین حق و استقامت در راه آن را به تصویر بکشد. و نیز سعی در استفاده از مفاهیم جدید اسلامی چون شفاعت، فرشتگان، رسالت، عرش و ... دارد. ابن رواحه بسیاری از مضامین شعر جاهلی مانند مدح‌های مبالغه آمیز، هجاهای همراه با جفا، و رثاهای دور از حقیقت را رنگی اسلامی بخشید، و اصلاحات چشمگیری در این فنون شعری به وجود آورده است.

واژگان کلیدی: عبدالله بن رواحه، شعر اسلامی، مضامین اسلامی، نقد اجتماعی

^۱ پست الکترونیک: sr.khezri@gmail.com^۲ نویسنده مسؤل؛ پست الکترونیک: abdollahnoorizad@yahoo.com

أثر الإسلام على شعر عبدالله بن رواحة ودراسته على ضوء النقد الاجتماعي

الملخص

الإسلام صار سبباً لخلق المفاهيم الجديدة في الأدب، أو سبباً لإصلاح بعض المضامين أو إقرارها أو تأكيدها. شعراء صدر الإسلام قاموا بالدفاع عن الإسلام بكل ما لديهم من القوة الأدبية والحربية، ومن أبرز هؤلاء الشعراء عبدالله بن رواحة. قمنا في هذا البحث بالتحقيق عن أثر الإسلام في شعر عبدالله بن رواحة ومستوى تأثره بالإسلام، ثم رؤيته النقدية إلى بعض المعايير في المجتمع الجاهلي وسعيه الخيبي في إصلاحها بسلاح الشعر والأدب من منظر النقد الاجتماعي وفقاً للمنهج التحليلي الوصفي. فتوصلنا من خلال هذا البحث إلى أنّ أشعار عبدالله بن رواحة الإسلامية مملوءة بالمضامين الإسلامية المحضة والمفاهيم التي أقرها الإسلام. ومن أهم ما تناوله شاعرنا موضوع الاستشهاد في سبيل الله تعالى، والذي يبيّن فيه أنّ الآخرة هي الغاية، وأنّ الدنيا بما فيها من الزخارف وسيلة للوصول إلى النعيم الأبدي فيدعو الجميع إلى اتباع الحق قبل فوات الأوان والثبات في العمل فيه، والاستقامة عند المدهمات. يستفيد ابن رواحة في شعره من المعاني الإسلامية التي كانت غير موجودة في الشعر الجاهلي كالشفاعة والملائكة والرسالة والقيامة و... ومن أهم معالم أثر الإسلام في شعره إصلاح بعض الفنون الشعرية كالمديح والثناء والهجاء، فجاءت هذه الفنون بصبغة إسلامية بعيدة عن جفاء الجاهلية وغلوها المقيت.

الكلمات الرئيسية: عبدالله بن رواحة، الشعر الإسلامي، المضامين الإسلامية، النقد الاجتماعي

مقدمه

دین اسلام باعث پیدایش ویژگی‌های جدید در فرهنگ و اخلاق به شکل عام، و در اسالیب و فنون ادب به صورت خاص شد، شعر نیز با مفهیمی نو روبرو شد که بر آن جلوه‌ای جدید بخشید. با مطالعه در اشعار جاهلی و صدر اسلام به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از اشعار صدر اسلام در همان اسلوب و فنون شعر جاهلی است و اندکی از آن تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی دچار تغییراتی شد؛ شعر دینی و اسلامی با معانی و عواطف نو ظهور پا به عرصه نهاد، اشعار مدحی به ویژه مدح‌های مبالغه آمیز به شدت کاهش یافت و معیار ارزشی شعر از «أحسن الشعر أكذبه» که معیار و مبنای جاهلی بود، جای خود را به معیار «أحسن الشعر أصدق» که معیار و مبنای اسلامی و قرآنی است، داد. هجا و ناسزا گویی به شدت کاهش یافت، درگیری‌های قبیله‌ای به جدال‌ها و رقابت‌های سیاسی و حزبی تبدیل شد، و غزل از مفاهیم و الفاظ رکیک و ناپسند خارج شد و در پوشش اسلامی و دینی به استقلال رسید. عمر فروخ بر این باور است که قسمت عظیمی از اشعار صدر اسلام در اسالیب و فنونش همچنان جاهلی مانده است، اما قسمتی از آن در غرض‌های شعری‌اش اسلامی شده است، یعنی مدح کمتر شده و از میزان افراط در آن کاسته شده است، همچنین هجاء و رکاکت و فحش آن کاهش یافته، و غزل و نسیب نیز بهره‌ایی از این کاهش دارد (فروخ، ۱۹۸۴، ۱/ ۲۵۴).

در اشعار صدر اسلام مدح پیامبر و پیروان اسلام، رثای شهدا و وصف تعالیم اسلام گسترش یافت. از جمله مفاهیم اشعار این دوره افزایش حکمت و تشویق به مکارم اخلاق و تمسک به آداب اسلام است و همه اینها تحت تاثیر قرآن کریم و حدیث شریف است. عمر فروخ بیان می‌دارد که در اشعار صدر اسلام مدح اسلام و رثای شهدا و نیز حکمت و موعظه و تشویق به مکارم اخلاقی رو به فزونی گرفت، و هجاهای قبیله‌ای تبدیل به جدال‌های سیاسی بین احزاب مختلف شد (همان، ۱/ ۲۵۷). نیز از جمله ویژگی‌های اشعار صدر اسلام استعمال لغات و اصطلاحات اسلامی در شعر است مانند اسماء الله الحسنی همچون: الواهب، الرزاق، التواب و ... و اصطلاحاتی مانند: النبی، الشفاعة، القيامة، الملائكة و ...

بیان مسأله

شاعران زیادی در صدر اسلام با سلاح ادب و شعر به مقابله با دشمنان اسلام رفتند که از جمله آنها عبدالله بن رواحه است همانگونه که از سلاح شمشیر نیز غافل نماند و در مصاف با دشمن رشادت‌ها به خرج داد. ظهور اسلام تغییرات چشم‌گیری در ادبیات و مفاهیم شعری ابن رواحه ایجاد کرد. با مطالعه دقیق در اشعار جاهلی و اسلامی شاعر تفاوت عمیق در نگرش قبل و بعد اسلام وی آشکار است. در این پژوهش سعی بر آشکار کردن این تفاوت در نگرش است، و نیز به وجود آمدن نگاه

ناقدانه بر عقاید و جهان بینی جاهلیت، و همچنین گنجاندن مفاهیم جدید و باورهای نو ظهور در عرصه ادب است تا صدق نظر تاریخ ادب نگاران را از خلال اشعار ابن رواحه اثبات کنیم.

سؤالات تحقیق

سؤالاتی که در این بحث مطرح می شود این است که:

۱. اسلام و آموزه های اسلامی چه تأثیری بر شعر عبدالله بن رواحه داشته است؟
۲. عبدالله بن رواحه چگونه با اشعار اسلامی خود به نقد اجتماعی جامعه جاهلی پرداخته است؟

پیشینه پژوهش

در حوزه بررسی شعر جاهلی و اسلامی عبدالله بن رواحه پژوهش هایی صورت گرفته است؛ ولید قصاب در کتاب؛ دیوان عبدالله بن رواحه ودراسة فی سیرته وشعره، اشاراتی به مضامین اشعار جاهلی و اسلامی عبدالله بن رواحه به صورت کلی دارد. جمیل سلطان نیز در کتاب: عبدالله بن رواحه أمير شهيد وشاعر علی سریر من ذهب، گذری بر تاریخ زندگی شخصی و دینی و جهادی عبدالله بن رواحه دارد و به نمونه هایی از شعر او اشاره می کند. نویسندگان در این کتاب بیشتر به بیان اسباب و علل سرودن برخی اشعار اسلامی شاعر می پردازد که به دور از هرگونه تحلیل و بررسی ادبی است. محمد سعد الشویعر در کتاب خود: عبدالله بن رواحه رائد الشعر الجهاد الإسلامي، حیات ودراسة فی شعره، به بررسی نکات بارز زندگانی ابن رواحه با رویکرد وصف شجاعت و رشادت های شاعر در میادین جهاد اسلامی و اشعار متعلق به آن می پردازد، والبته نگاهی بسیار کوتاه و گذرا به برخی مفاهیم محدود تبلور یافته اسلامی در شعر شاعر دارد. نادیه الشوریجی در اثر تحقیقی خود با عنوان: عبدالله بن رواحه وشعره الاسلامي، به مقایسه مفاهیم اشعار سروده شده شاعر در میادین جنگ و جهاد دوره جاهلی و اسلامی ابن رواحه می پردازد.

حمید قلندریان در رساله دکتری خود تحت عنوان: تأثیر شعر صدر اسلام در پیشبرد اهداف پیامبر (ص)، به شعر و سبک شاعری سه تن از شعرای صدر اسلام می پردازد که یکی از آنها عبدالله بن رواحه است. نویسندگان در باب سخن از مفاهیم شعر اسلامی ابن رواحه بیشتر آنها را در بیان فضایل رسول اکرم و یا سوگ شهیدان و در دعوت بر زهد و صبر می داند ولی به شعر شاعر استنادی ندارد و تحلیلی عمیق از تمام مفاهیم اسلامی شعر شاعر ارائه نمی دهد. همچنین آلاء جمعه هادی اللامی در پایان نامه خود تحت عنوان: تصویر پردازی در سروده های عبدالله بن رواحه انصاری، که به تحلیل کلیات شعر جاهلی و اسلامی شاعر می پردازد در باب اشعار اسلامی ابن رواحه مفاهیم مدح پیامبر و اهل بیت ایشان و رثاء شهداء، و فخر و هجو مشرکین را بررسی می کند ولی به تأثیر مستقیم اسلام بر این مفاهیم نمی پردازد. همچنین سمیه اکبری فر در پایان نامه خود تحت عنوان: الالتزام الديني في

العصر الاسلامي حتى نهاية العصر الأموي، التزام ديني را در اشعار شعراي اسلام و عصر اموي بررسی می‌کند و در این بین گذری کوتاه بر اشعار اسلامی عبدالله بن رواحه دارد. نویسنده بیشتر مطالب خود را از کتاب ولید قصاب الهام گرفته است و بر ابیاتی کوتاه در موضوعات جهاد با شمشیر در میادین مختلف اشاره دارد.

مسعود باوان پوری در مقلله خود با عنوان: مظاهر التناص الديني في شعر عبدالله بن رواحة، به بررسی تناص قرآنی و تاریخی در اشعار اسلامی ابن رواحه می‌پردازد. مقاله تمام اشعار اسلامی شاعر را در بر نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد به صورت گزیده ابیات را انتخاب کرده اند. عادل حیدری در مقاله خود با عنوان: بصمات بلاغية في المدائح النبوية في أشعار عبدالله بن رواحة الأنصاري، به بررسی اشعار مدحی ابن رواحه که بیشتر در مدح پیامبر اسلام است از منظر انواع فنون بلاغی و اسالیب بیان و معانی می‌پردازد.

در تمام این آثار بحثی مستقل و چشمگیر در تاثیر اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه در تمام زمینه‌های شعری و مفاهیم ادبی و میزان اثر پذیری وی از اسلام، و نیز نقد وی از جامعه جاهلی با سلاح شعر بر اساس نظریه نقد اجتماعی یافت نشد، لذا بر آن شدیم تا در پی پاسخ سؤالات این پژوهش با اتکا بر تمام اشعار اسلامی ابن رواحه و نه جزئی از آن باشیم.

چار چوب نظری

داده‌ی اصلی مورد استفاده در پژوهش حاضر؛ "دیوان عبدالله بن رواحة ودراسة في سيرته وشعره"، اثر ولید قصاب است که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد، و روش خاص پژوهش توصیفی تحلیلی است. لازم به ذکر است تمام ابیات مورد تحلیل و استشهداد در این مقاله از کتاب ولید قصاب است.

برای بررسی موشکافانه تاثیر اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه لازم است ابتدا گذری بر زندگی شاعر در جاهلیت و بعد از اسلام داشته باشیم تا میزان و وسعت جهان‌بینی دو دوره را در نزد وی بهتر درک کنیم. و طبیعتاً این نگرش در شعر دوران قبل و پس از اسلام تاثیر مستقیم خواهد داشت، به همین دلیل بر آن شدیم تا گذری بر شعر جاهلی شاعر داشته باشیم و سپس نگاهی کلی به اشعار دوره اسلامی وی بیندازیم تا بتوانیم به مفروضات خود در تاثیر اسلام بر شعر شاعر و نوع نقدهای ایشان بر تفکر و عقاید و عادات جاهلیت، دست یابیم. و نیز از میان انواع نقدها، نقد اجتماعی با مفاهیم کلی اشعار اسلامی عبدالله سازگارتر است چرا که به دستور اسلام هر مسلمانی در حد توان و بضاعت علمی و ادبی خود دعوتگری ناصح خواهد بود تا دردهای جامعه خود را به درستی تشخیص داده سپس سعی در اصلاح و درمان آن داشته باشد.

گذری کوتاه بر زندگی عبدالله بن رواحه

عبدالله بن رواحه از شاعران مخضرم^۱ و از یاران بزرگوار پیامبر (ص) است که با قلم و شمشیر و با شعر و شعور از حریم پاک اسلام دفاع کرد، اما افسوس مصادر تاریخی اطلاعات قابل ملاحظه‌ای از زندگی وی در جاهلیت ارائه نداده‌اند و آنچه به دست ما رسیده، بسیار ناچیز است. نسب وی عبدالله بن رواحه بن ثعلبه الانصاری الخزرجی است که در شهر یثرب در خانواده‌ای داری سیادت و وجاهت در میان قوم خود، چشم به جهان گشود، اما از تاریخ ولادت و دوران کودکی وی اطلاع دقیق و ارزنده‌ای در دست نیست. عبدالله سیادت و بزرگی را از اجداد خود به ارث برد، همچنانکه ابن سلام به این نکته اشاره می‌کند (ابن سلام، بی تا: ۲۲۳)، علاوه بر این وی از معدود کسانی بود که در جاهلیت خواندن و نوشتن می‌دانست، در دوره‌ایی که اکثر مردم امی و بی‌سواد بودند، و سپس بعد از اسلام کاتب رسول خدا شد، وی از جمله ثروتمندان یثرب به حساب می‌آمد. (قصاب، ۱۴۰۲ق: ۲۳).

عبدالله در سال سیزدهم هجری و چهار ماه قبل از هجرت پیامبر به مدینه با گروهی که از یثرب برای ادای حج آمده بودند در مکانی به نام عقبه مسلمان شد (ابن کثیر، ۱۴۱۸ه: ۶/۴۵۶). بعد از مسلمان شدن محبت اسلام در عمق قلبش جای گرفت، و در تمام حوادث اسلام شجاعانه با قلم و شمشیر خود شرکت کرد، و در تمام جنگ‌ها از جمله بدر و احد و خندق و حدیبیه و خیبر و عمره القضاء در رکاب پیامبر حضور پیدا کرد (همان: ۶/۴۵۶)، جز در مواردی که از سوی پیامبر به عنوان امیر مدینه انتخاب می‌شد (سلطان، ۱۴۱۵ق: ۲۸)، مانند غزوه بدر الآخره که عبدالله شانزده روز از سوی پیامبر امیر مدینه بود (قصاب، ۱۴۰۲ق، ۳۱).

از نقطه‌های بارز زندگی عبدالله بن رواحه موضع مؤثرش در حادثه افک است که صادقانه از آبرو و ناموس پیامبر دفاع کرد و ابیاتی در آن مورد سروده است:

لَقَدْ ذَاقَ حَسَنَ الَّذِي هُوَ أَهْلُهُ	وَحَمْنُهُ إِذْ قَالُوا هَجِيرًا وَمَسَطَحُ
تَعَاطُوا بَرَجِمَ الْغَيْبِ زَوْجِ نَبِيِّهِمْ	وَسَخَطَةَ ذِي الْعَرْشِ الْكَرِيمِ فَأَتْرَحُوا
وَأَذُوا رَسُولَ اللَّهِ فِيهَا فَجَلَّلُوا	مَخَازِي تَبْقَى عُمُومَهَا وَفُضَّحُوا
وَصُبَّتْ عَلَيْهِمْ مَحْصَدَاتٌ كَأَهْمَا	شَايِبُ قَطْرِ فِي ذُرًّا الْمُرِنِ تَسْفَحُ

(ابن کثیر، ۱۴۱۸ق: ۶/۲۰۰)

۱ شعراء مخضرم شاعرانی هستند که دو دوره جاهلیت و اسلام را درک کرده و در هر دو دوره شعر سروده و به شاعری معروف بوده‌اند، شعرای مخضرم مدینه خدمت شعری و ادبی ارزنده‌تری نسبت به دیگر شعرا داشتند. (شوقی ضیف،

ترجمه ابیات: حسان بن ثابت و حمنه بنت جحش و مسطح بن أثاثه که کلام فاحشی را به زبان آوردند، طعم حد قذف را چشیدند. با ظن و گمان عمل ناروایی را بر همسر پیامبر نسبت دادند و موجب خشم خداوند صاحب عرش بزرگ شده و سپس محزون گشتند. با سخنان خود موجب آزار رسول خدا شدند، ولی بعداً با آشکار شدن حقیقت کلامی که باعث بی‌آبرویی خودشان شد، خودشان در جامعه مفتضح شدند. به همین دلیل با شلاق‌هایی همچون ریسمان که مانند بارانی سیل‌آسا که از میان ابرها می‌بارد، بر آنها حد قذف جاری شد.

منابع تاریخی از زهد و پرهیزکاری عبدالله بن رواحه سخن بسیار گفته‌اند، نمونه‌ای از زهد ایشان مداومتش در ادای نمازهای نافله است که همیشه قبل از خروج از منزل دو رکعت نماز نافله خوانده و در هنگام ورود به منزل نیز این عمل را تکرار می‌کرده‌اند (أحمد بن حنبل، بی تا: ۲۵/۱۱). أبو الدرداء در مورد روزه داری وی می‌گوید: «در بعضی از سفرها در هوای بسیار گرم همراه رسول خدا (ص) بودیم و همراهان ایشان از شدت گرما دست‌هایشان را بر سرشان می‌نهادند، و در این جمع کسی جز رسول خدا (ص) و عبدالله بن رواحه روزه نبودند.» (ابن ماجه، ۱۴۰۶ق: ۲۹۱). سعی ایشان بر اطاعت کامل از رسول خدا بود، بیهقی می‌نویسد:

روزی عبدالله بن رواحه قصد مسجد رسول خدا کرد ناگهان دید که پیامبر (ص) روی منبر خطاب به مردم می‌گوید: "اجلسوا"، عبدالله همان لحظه روی زمین نشست در حالی که هنوز بیرون از مسجد بود، پس از اتمام خطبه، رسول خدا (ص) از عمل عبدالله مطلع شده و بر وی اینگونه دعا کردند: "زادك الله حرصاً على طواعة الله تعالى وطواعة رسوله" (البیهقی، ۱۴۰۸ق: ۲۵۷/۶).

در سال هشتم هجری رسول خدا (ص) آماده جنگ با رومیان شد، و علت این جنگ تعرض آنان بر سفیر رسول خدا و کشتن وی بود، پیامبر سه تن را به عنوان فرمانده جنگ انتخاب کرد تا یکی پس از شهادت دیگری فرماندهی لشکر اسلام را بر عهده داشته باشند، که آن فرماندهان: زید بن حارثه و جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه بود، وقتی زمان حرکت لشکر اسلام فرا رسید، پیامبر و گروهی از مردم با لشکریان و فرماندهان جنگ وداع کردند، عبدالله بن رواحه به گریه افتاد و وقتی از علت گریه‌اش پرسیدند جواب داد، من برای دنیا و زینت‌های آن گریه نمی‌کنم، بلکه علت گریه من این است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾ [مریم: ۷۱]، و من نمی‌دانم که بعد از ورود و عبور از آتش جهنم، آیا از آن رهایی می‌یابم یا خیر؟، سپس عبدالله با این بیت با رسول خدا وداع کرد:

خَلَفَ السَّلَامُ عَلَى امْرِيٍّ وَدَعْتُهُ فِي النَّخْلِ خَيْرَ مُشِيْعٍ وَخَلِيلِ

(قصاب، ۱۴۰۲ه: ۳۶)

ترجمه بیت: بعد از رفتنم سلام خداوند بر بهترین یار و همراهی باد که در نخلستان با وی وداع و خداحافظی کردم.

جنگی سخت میان مسلمانان و رومیان در مکانی به نام مؤته شروع شد، فرمانده اول بعد از مجاهدت فراوان به شهادت رسید، فرمانده دوم جعفر پرچم اسلام را به دست گرفت، دست راستش را قطع کردند، سپس پرچم را به دست چپ گرفت و آن را نیز قطع کردند، اما جعفر از مقاومت و فداکاری باز نایستاد و پرچم را با بازوانش نگه داشت که در این هنگام فردی از سپاه روم با ضربه‌ای جعفر بن ابی طالب را به شهادت رسانید، بعد از شهادت جعفر نوبت فرماندهی عبدالله بن رواحه فرا رسید، عبدالله پرچم اسلام را به دست گرفته شروع به فرماندهی کرد و با شجاعت تمام و فداکاری در قلب دشمن فرو رفته رشادتهای ارزنده‌ای را تقدیم اسلام کرد. در همان حال که با شدت تمام بر دشمن حمله کرده بود ضربه سختی خورد و جراح عمیقی پیدا کرد و بعد از مدت اندکی به شهادت رسید. وی هم در جاهلیت و هم در اسلام جزو سروران بود همانطور که رسول خدا (ص) فرمود: «خياركم في الجاهلية خياركم في الإسلام إذا فقهوا» (البخاری، ۱۴۱۹ق: ۶۴۸). بعد از شهادت سه فرمانده اسلام رسول خدا (ص) بر منبر رفته و با چشمانی اشکبار شهادت فرماندهان را اینگونه اعلام کرد: «أَخَذَ الرَّايَةَ زَيْدٌ فَأُصِيبَ ثُمَّ أَخَذَهَا جَعْفَرٌ فَأُصِيبَ ثُمَّ أَخَذَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ فَأُصِيبَ ثُمَّ أَخَذَهَا خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ عَيْرِ امْرَأَةٍ فَفُتِحَ لَهُ» و همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: «مَا يَسْرُهُمْ أَهْمٌ عِنْدَنَا وَعَيْنَاهُ تَدْرِفَانِ.» (همان: ۵۴۰)، حسان بن ثابت در قصیده ایی به رثای شهدای مؤته پرداخت که مطلع آن بیت زیر است، و فرماندهان رسول خدا را اینگونه یاد کرد:

تَأْوِيَنِي لَيْلٌ بِيَثْرِبٍ أَعْسَرُ، وَهَمٌّ، إِذَا مَا نَوَّمَ النَّاسُ، مُسْهَرُ
فَلَا يُبْعِدُنَّ اللَّهُ قَتْلَى تَتَابَعُوا بِمَوْتَةٍ، مِنْهُمْ ذَوَالْجَنَاحِينَ جَعْفَرُ
وَزَيْدٌ، وَعَبْدُ اللَّهِ، حِينَ تَتَابَعُوا جَمِيعًا، وَأَسْبَابُ الْمَنِيَّةِ تَخْطُرُ
(حسان، ۱۴۱۴ق: ۱۰۷-۱۰۸)

ترجمه ابیات: شبی سخت و بی‌خواب کننده در شهر مدینه بر من روی آورد، ولی مردم همه در خواب هستند. خداوند سه شهید را که پشت سر هم به شهادت رسیدند قرین رحمت خود کند، آنها جعفر طیار، و زید و عبدالله بن رواحه هستند که در حالیکه سبب‌های مرگ بر سرشان می‌بارید، به شهادت رسیدند.

و همین اندازه شرف برای عبدالله بن رواحه کافی است که رسول خدا در مورد ایشان فرمودند: «نعم الرجل عبدالله بن رواحة» (أحمد بن حنبل، بی تا: ۱۱ / ۲۵).

اشعار اسلامی عبدالله بن رواحه

هجرت رسول خدا (ص) به مدینه باعث ایجاد تغییراتی بنیادین در زندگی و ادبیات مردم مدینه شد؛ قوم اوس و خزرج مسلمان شده و انصار پیامبر شدند و اختلافات میان این دو قبیله بزرگ از

بین رفته و برادری و اخوت دینی جای آن را فرا گرفت، فخر بر قبیله و بیان امجاد گذشتگان از بین رفت و شمارش معایب یکدیگر رو به افول نهاد، از هم گسیختگی و اختلاف تبدیل به اتحاد و همدلی شد، و مسلمانان در همه حال یکدیگر را به ثبات در ایمان و استقامت تشویق می‌کردند. این کثیر در تاریخ خود می‌نویسد: «زمانی که عبدالله بن رواحه با برادر دینی خود برخورد می‌کرد، دستانش را گرفته این جمله را می‌گفت: تعال حتی نؤمن ساعة، دوستش می‌پرسید: آیا ما مؤمن نیستیم؟ عبدالله جواب می‌داد: بلی ولكننا نذكرُ اللهَ فنزداد ايماناً.» (ابن کثیر، ۱۴۱۸ه: ۱۶/۴۵۸). اما این آرامش دیری نپایید که به کشمکش‌های سیاسی اسلام و مشرکین از سویی، و اسلام و دشمنی‌های اهل کتاب از سویی دیگر انجامید. پیامبر (ص) به شعرای اوس و خزرج دستور داد که با سلاح شعر و ادب از اسلام و مسلمانان دفاع کنند؛ چرا که زبان شعر برای مخالفین دردآورتر از شمشیر است، همچنانکه در حدیث شریفی آمده است: «أن النبي (ص) دخل مكة في عمرة القضاء وابن رواحة يمشي بين يديه وهو يقول:

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ الْيَوْمَ نَضْرِبُكُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ
ضَرْباً يُزِيلُ الْهَامَ عَنْ مَقِيلِهِ وَ يُذْهِلُ الْخَلِيلَ عَنْ خَلِيلِهِ

فقال له عمر: يا ابن رواحة: بين يدي رسول الله (ص) وفي حرم الله تقول الشعر؟ فقال (ص): (خَلَّ عَنْهُ يا عمر؛ فلهي أسرعُ فيهم من نضح الثُّبُلِ)» (الترمذی، ۱۴۱۷ق: ۶۳۶).

ترجمه ابیات: ای کافرزادگان؛ راه پیامبر را باز کنید، ما امروز به خاطر نزول قرآن و دفاع از آن با شما جنگی می‌کنیم که با ضربات آن سر از تن‌ها جدا شده، و دو دوست را از هم جدا می‌کند. شعرهای اسلامی عبدالله بن رواحه نیز مانند اشعار جاهلیش اندک است و به گفته ولید قصاب کمی بیشتر از صد و پنجاه بیت است که بسیاری از آنها تک بیتی‌های پراکنده و یا ابیاتی است که در انتساب آنها به عبدالله سند قطعی وجود ندارد (قصاب، ۱۴۰۲ق: ۸۱).

عبدالله در اشعار اسلامی خود از مفاهیم جاهلی دور شده و فخر به انساب و اجداد را کنار نهاده و از بیان احساسات و ویژگی‌های شخصی خود عبور کرده و زبان ناطق امت اسلامی گشت. دیگر وی به خود و شعرش افتخار نمی‌کرد، بلکه شعر وسیله‌ای شد برای بیان مفاهیم متعالی اسلام و انتقام از دشمنان دین. شوقی ضیف می‌نویسد:

خوانندگان اشعار شعرای مخضرمین که در لابه لای کتب تاریخ و ادب منثور است؛ می‌دانند؛ قسمت عظیم اشعار این دوره مربوط به ارزشهای روحانی اسلام است؛ ارزش‌هایی که بر آنها ایمان آورده و در صمیم قلبشان جای گرفته است. شعرای مدینه در این زمینه گوی سبقت را به دست گرفته و در رکاب پیامبر از ابتدای نزول وحی از حریم اسلام دفاع کرده و مسیر هدایت را در اشعارشان به تصویر کشیدند که پیشروان این شعراء حسان بن ثابت و کعب بن مالک و عبدالله بن

رواحه است، به ویژه عبدالله از میان آنها دائماً از قرآن کریم الهام گرفته و در هجای مشرکین و دیگر فنون شعری از کلام الهی استفاده می‌کند. (ضیف، ۱۴۳۱ق: ۲/۶۸).

تحلیل

در زیر به مهمترین مشخصه‌های تأثیر اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه و نقد وی بر اوضاع اجتماعی جامعه جاهلی عصر خود اشاره می‌کنیم؛

نکوهش و سرزنش مشرکین

از ویژگی‌های بارز و مهم شعر اسلامی عبدالله بن رواحه طعن و عیب جویی وی از مشرکین به سبب شرک و کفرشان است، اما شاعران دیگر که از مدافعین اسلام بودند مانند؛ حسان بن ثابت و کعب بن مالک در هجو مشرکین بیشتر طعن آنها به شکست‌های مشرکین در جنگ‌ها و یا عدم وفای به عهدشان بود (الأصفهانی، ۱۹۳۶: ۴/۱۳۸). در نتیجه شعر عبدالله در ابتدای امر تأثیر عمیقی برای کفار نداشت، چرا که تعبیر و طعن آنها بر کفر و شرک، بر آنها امری ملموس و قابل درک نبود، اما شعر دو شاعر دیگر بر آنها بسیار گران می‌آمد، ولی بعد از مسلمان شدن مشرکین مکه و فهم معنای دقیق شرک و کفر و عاقبت آن، وضع دگرگون شد، حال که آنان از مفاهیم اسلام آشنایی پیدا کردند دیگر انتساب آنها به شرک و کفر بسیار آزار دهنده و سنگین بود. نقد وی از مشرکین و جامعه جاهلی به دلیل تفکر آلوده به شرکشان بود و این کاستی از نظر عبدالله بسیار مهلک‌تر از شکستشان در جنگ‌ها بود، ابیات زیر به این موضوع اشاره دارد:

نَزَوْعُ قُرَيْشٍ الْكُفْرِ حَتَّى نَعْلَهَا بِحَاطِمَةٍ فَوْقَ الْأَنْوَفِ مِيسَمِ
(قصاب، ۸۹)

ترجمه بیت: بر قریشیان کافر با تسلط بر آنها مانند راندن شتران به ریسمان بسته و علامت‌گذاری شده، طعم ذلت را می‌چشانیم.

در بیتی دیگر عبدالله مشرکین را اینگونه هجو و تعبیر می‌کند:

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ خَلُّوا فَكُلَّ الْخَيْرِ فِي رَسُولِهِ
(همان، ۹۱)

ترجمه بیت: ای کافرزادگان: راه پیامبر را باز کنید، که تمام خیر و نیکی در رسول خداست.

تهدید مشرکین بر عذاب جهنم

از دیگر تأثیرات اسلام بر شعر عبدالله، تهدید مشرکین بر عذاب جهنم است، البته اگر توبه نکرده و بر کفر بمیرند. مشرکین قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) اطلاعی از جهان آخرت و حساب و کتاب

اعمال نداشتند و بر این باور بودند که حیات انسان با مرگش پایان می یابد، اما رسول خاتم که انذار دهنده از آتش جهنم و بشارت دهنده به بهشت برین است این مفاهیم را بر امت ابلاغ فرموده و مسلمانان را از وجود بهشت و جهنم آگاه ساختند، و این مفاهیم در شعر عبدالله اینگونه به تصویر کشیده شده است:

فَأَبْلِغْ أَبَا سُفْيَانَ إِمَّا لِقِيَّتِهِ لَيْنَ أَنْتَ لَمْ تُخْلِصْ سُجُودًا وَتَسْلَمَ
فَأَبْشِرْ بِخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ مُعْجَلٍ وَ سِرِّيَالٍ قَارٍ خَالِدًا فِي جَهَنَّمَ
(همان، ۹۰)

ترجمه ابیات: هرگاه با ابوسفیان ملاقات کردی این پیام را بر او ابلاغ کن که اگر مسلمان نشده و خالصانه بر خداوند سجده نکنی، در حیات دنیا با ذلت زندگی کرده، و در آخرت با لباسی از آتش در جهنم جاودانه خواهی ماند.

عبدالله که تعلیم یافته مکتب اسلام است بر این باور است که قوم عاد و ثمود، اقوامی هستند که به علت عصیان پیامبرشان و عدم ایمان به خدا و پیامبرش با عذاب الهی نابود شدند، نقد وی از جامعه مشرکین این است که آنها در عمل با امت‌های سابق مشترک هستند، و سنت خداوند در نتیجه نیز با آنها فرقی نخواهد داشت. وی مشرکین و بالأخص صننادید آنها را به عبرت‌گیری از عاقبت آن اقوام دعوت کرده و آنها را با همان عذاب مهلک تهدید می‌کند:

نَزَرْتَهُمْ أَكْنَافَ نَجْدٍ وَنَخْلَةٍ وَإِنْ يُثْهِمُوا بِالْحَيْلِ وَالرَّجْلِ نُتْهِمَ
يَدَ الدَّهْرِ حَتَّى لَا يُعْوَجَ سِرْبُنَا وَ نُلْحِفُهُمْ آثَارَ عَادٍ وَجُرْهُمَ
(همان، ۸۹)

ترجمه ابیات: ما - مشرکین مکه را - در اطراف نجد و سرزمین نخله جای می‌دهیم، و اگر سواره یا پیاده بر سرزمین تهامه روی بیاورند به سراغشان رفته و دست تسلط روزگار را بر آنها می‌نهیم، و بر آثار باقی مانده از قوم عاد و جرهم ملحق‌شان می‌کنیم.

عدم پذیرش توبه در هنگام مرگ

از جمله تعالیم اسلام این است که توبه در هنگام مرگ و یا نزول عذاب الهی سودی ندارد، همانگونه که توبه ی فرعون در هنگام غرق شدنش سودی نبخشید، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ ایونس: ۹۱، ۹۰. عبدالله بر این نکته اشاره دارد و کفار را بر عدم قبولی توبه در حین مرگ و یا زمان وقوع عذاب تهدید می‌کند:

وَيَنْدُمُ قَوْمٌ لَمْ يُطِيعُوا مُحَمَّدًا عَلَى أَمْرِهِمْ وَأَيَّ حِينَ تَنْدُمُ

(همان، ۸۹)

ترجمه بیت: و مردمانی بر عدم اطاعت از محمد روزی پشیمان می‌شوند، ولی آن روز دیگر پشیمانی سودی ندارد.

ایمان به رسول خدا (ص) عزت، و کفر بر ایشان ذلت است

عبدالله بیان می‌دارد که اخراج رسول خدا (ص) از مکه توسط مشرکین قریش باعث تحقیر آن حضرت نشد، بلکه باعث عطر آگین شدن مدینه شد، و این مشرکین هستند که با عصیان رسول خدا با عذاب الهی خوار و ذلیل می‌شوند، و هرچه کفار نافرمانی کنند، مسلمانان به همان اندازه ایشان را اطاعت کرده و جان و مال خود را فدای رسول خدا می‌کنند؛ زیرا بر این باورند که رسول خدا (ص) هدایتگر شب‌های تاریک جاهلیت‌ها و گمراهی‌ها است. جامعه‌ای که چنین رهبری دلسوز را کنار نهاده و راه دشمنی با او را در پیش گیرند محصولی جز ذلت دنیا و خسران آخرت به دست نخواهند آورد، و این نمونه‌ای است از فقر فکری جامعه شرک‌آلود آن زمان که انتقاد ابن رواحه از آن به این صورت در اشعارش نمود پیدا کرده است:

عَصَيْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ أَفَّ لِدِينِكُمْ وَأَمْرِكُمُ السَّيِّئِ الَّذِي كَانَ غَاوِيَا
فَإِنِّي وَإِنْ عَنَّفْتُمُونِي لَقَائِلٌ فِدَى لِرَسُولِ اللَّهِ أَهْلِي وَمَالِيَا
أَطَعْنَاهُ لَمْ نَعْدِلْهُ فِينَا بَعْرِهِ شَهَابًا لَنَا فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ هَادِيَا

(همان، ۹۰)

ترجمه ابیات: فرستاده خدا را نافرمانی کردید، وای بر این دینتان، کارتان بسیار زشت است و راهتان گمراهی. من با یقین می‌گویم هر چند سرزنشم کنید: که خانواده و اموال فدای رسول خدا باد. ما ایشان را اطاعت کردیم و به غیر از او روی نمی‌آوریم چرا که رسول خدا مانند نور شب تاریکی هدایتگر ما است.

وفای بر عهد و پیمان

وفای به عهد از جمله خصایص مورد مدح شعرای جاهلی و اسلام است، اما با نزول قرآن و تاکید آن بر حفظ عهد و پیمان جلوه عبادی پیدا کرد، قرآن کریم بر این نکته اینگونه اشاره می‌کند: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴]. البته شایان ذکر است که وفای بر عهد از مفاهیم اصلاح شده‌ی اسلام است، یعنی عهد و پیمانی در اسلام مورد احترام است که در راستای معصیت خداوند نباشد، و این یکی از فرق‌های وفای به عهد از منظر اسلام و جاهلیت است، همچنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «لا طاعة في معصية الله، إنما الطاعة في المعروف» (السجستاني، ۱۴۲۴ق: ۴۶۱). از دیگر

مظاهر قابل انتقاد جامعه غیر اسلامی دوران پیامبر عدم وفا بر عهد و میثاق است که با کوچکترین بهانه‌ای پایمال می‌شد، عبدالله بن رواحه بر نقض عهد و پیمان مشرکین به ریاست ابوسفیان در جنگ بدر الآخرة اشاره کرده و آن را از خصایص کفار می‌داند:

وَعَدْنَا أَبَا سُفْيَانَ بَدْرًا فَلَمْ نَجِدْ لِمِيعَادِهِ صِدْقًا وَمَا كَانَ وَافِيًا
(همان، ۹۰)

ترجمه بیت: ما با ابوسفیان در مکان چاه‌های بدر وعده گذاشتیم، ولی او بر وعده‌ی خود وفا نکرد.

ایمان به قرآن کریم

از جلوه‌های تاثیر اسلام بر شعر عبدالله بن رواحه که اشعار جاهلی خالی از آن است، ایمان به نزول قرآن از سوی خداوند متعال بر قلب پاک رسول خدا (ص)، و دفاع از قرآن کریم با جان و مال و ... است، که این دفاع و جان فشانی، جهاد در راه خدا محسوب می‌شود، و بهترین نوع مرگ، شهادت در راه خدا و دفاع از دین است. از مواضع قابل نقد جامعه غیر اسلامی آن روزگار عدم وجود قانونی استوار و راهنمایی بخش در تاریکی‌ها است، ولی نزول قرآن کریم این کاستی را به صورت کامل جبران ساخت، که البته ایمان آورندگان واقعی بر آن کم بودند، ابن رواحه می‌گوید:

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ قَدْ أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ فِي تَنْزِيلِهِ
خَلُّوا فَكُلُّ الْخَيْرِ فِي رَسُولِهِ فِي صُحُفٍ تُتْلَى عَلَى رَسُولِهِ
بَأَنَّ خَيْرَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِهِ يَا رَبِّ إِنِّي مُؤْمِنٌ بِقِيلِهِ
أَعْرِفْ حَقَّ اللَّهِ فِي قَبُولِهِ نَحْنُ ضَرَبْنَاكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ
كَمَا ضَرَبْنَاكُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ صَرَبًا يُزِيلُ الْأَمَّ عَنْ مَقِيلِهِ
وَيُذْهِلُ الْحَلِيلَ عَنْ خَلِيلِهِ أَوْ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَى سَبِيلِهِ
(همان، ۹۱)

ترجمه ابیات: ای کافرزادگان؛ راه پیامبر را باز کنید، که تمام خیر و نیکی در رسول خداست. خداوند رحمان بر پیامبرش در صحیفه‌هایی که تلاوت می‌شود بیان می‌دارد که بهترین مرگ، شهادت در راه اوست. پروردگارا؛ من بر سخنان رسولت ایمان دارم و حق و حقوق خداوند در قبول کلامش را می‌دانم. ما امروز به خاطر تاویل قرآن با شما می‌جنگیم همچنانکه بر نازل شدن و دفاع از آن با شما جنگیدیم. جنگی که با ضربات آن سر از تن‌ها جدا، و دو دوست را نیز از هم جدا می‌کند، و یا اینکه حق بر مسیر اصلی خود باز می‌گردد.

ابیات بالا به مفاهیمی کاملاً اسلامی اشاره دارد؛ مفاهیمی مانند اطاعت از خدا و رسولش با خلوص نیت که خیر دنیا و آخرت در اتباع از خدا و رسولش است، و قبول قرآن به عنوان راهنمای زندگی. کفار قریش به خدا و رسول خدا و قرآن ایمان نیاوردند، در نتیجه به ذلت دنیا و خواری آخرت دچار شدند، و پیروزی نهایی از آن اسلام و مسلمین است همچنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الإسلام يعلو ولا يُعلى» (السیوطی، ۱۴۰۸ق: ۱ / ۵۳۸).

ایمان به روز آخرت و بهشت و جهنم

از جمله مفاهیم جدید و اسلامی شعر عبدالله بن رواحه ایمان به روز آخرت و بهشت و جهنم، و نیز ایمان به عرش و فرشتگان الهی است، که همه این موارد جزء ایمان به امور غیبی محسوب می‌شود، شاعر اینگونه بر این مفاهیم اشاره دارد:

شَهِدْتُ بَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ مَثْوَى الْكَافِرِينَ
وَأَنَّ الْعَرْشَ فَوْقَ الْمَاءِ طَافٍ وَفَوْقَ الْعَرْشِ رَبُّ الْعَالَمِينَ
وَتَحْمَلُهُ مَلَائِكَةٌ كَرَامٌ وَمَلَائِكَةُ الْإِلَهِ مُقَرَّبِينَ
(قصاب، ۱۴۰۲ق، ۹۲)

ترجمه ابیات: شهادت می‌دهم که وعده‌ی خداوند حق، و اینکه آتش جهنم جایگاه کافران است. و گواهی می‌دهم که عرش خداوند بر بالای آب، و آن عرش محل استقرار خداوند جهانیان است – با کیفیتی که تنها خداوند از آن اطلاع دارد – عرش‌ی که فرشتگان مقرب خداوند آن را حمل می‌کنند. جامعه جاهلی آن روزگار به دلیل عدم ایمان به جهان آخرت و حساب و کتاب اعمال به راحتی مرتکب جرم و جنایت می‌شدند، و از نظر اسلام تنها ایمان واقعی و عمیق به روز جزا و حساب است که انسان را از تعدی و طغیان باز می‌دارد.

ایمان به تمامی انبیای الهی

از جمله مفاهیم جدید در شعر اسلامی عبدالله بن رواحه، ایمان به تمامی پیامبران الهی است که از ارکان اصلی ایمان است. شاعر این مفاهیم را به صورت زیر بیان کرده و به پیامبرانی چون حضرت محمد و زکریا و یحیی و عیسی و هود علیهم السلام اشاره دارد:

شَهِدْتُ، بِإِذْنِ اللَّهِ، أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ الَّذِي فَوْقَ السَّمَاوَاتِ مِنْ عَلٍ
وَ أَنَّ أَبَا يَحْيَى وَيَحْيَى كِلَيْهِمَا لَهُ عَمَلٌ فِي دِينِهِ مُتَقَبَّلٌ
وَأَنَّ الَّتِي بِالْجِزْعِ مِنْ بَطْنِ نَخْلَةَ وَمَنْ دَاهَا فِإِنَّ مِنَ الْخَيْرِ مَعْرُزٌ
وَأَنَّ الَّذِي عَادَى الْيَهُودَ ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولٌ أَتَى مِنْ عِنْدِ ذِي الْعَرْشِ مُرْسَلٌ

وَأَنَّ أَحَا الْأَحْقَافِ، إِذْ يَعْدِلُونَهُ يُجَاهِدُ فِي ذَاتِ الْإِلَهِ وَيَعْدِلُ

(همان، ۹۳)

ترجمه ابیات: به اذن خداوند شهادت می‌دهم که حضرت محمد فرستاده‌ی خدایی است که از بالای آسمانها بر جهانیان تسلط دارد. و گواهی می‌دهم بر اینکه حضرت زکریا و فرزندش حضرت یحیی مجریان دین خداوند بودند و اعمال صالحشان مورد قبول واقع شد. و بتی که در میان روستای جرز و منطقه نخله قرار گرفته و عَزَى نام دارد، و کسانی که آن بت را عبادت می‌کنند از تمام خیر و نیکی به دور هستند. و حضرت عیسی فرزند مریم بتول که با یهودیان به ستیز برخاست پیامبری از جانب خداوند صاحب عرش است. و حضرت هود که در سرزمین احقاف - مکانی میان عمان و حضرموت - زندگی می‌کرد و مورد سرزنش قومش بود، در راه خداوند جهاد کرده و با عدالت در میان آنها رفتار کرد.

در ابیات بالا منظور از (أحَا الأحقاف) حضرت هود (ع) است که مستنبط از آیه شریفه: ﴿وَأَذْكُرُ أَحَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّجُودُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأحقاف: ۲۱]، می‌باشد. و بیت: (وَأَنَّ الَّذِي عَادَى الْيَهُودَ ابْنُ مَرْيَمَ ...) اشاره به عداوت و دشمنی یهود با حضرت عیسی (ع) دارد بر گرفته از آیات شریفه‌ی ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ إِنِّي فَتَوَقَّيْكَ وَرَافِعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ * فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا هُمْ مِنْ نَاصِرِينَ.﴾ [آل عمران ۵۴ الی ۵۶]، است.

جامعه‌ای که بر این باور و اعتقاد برسد که هدف تمامی پیامبران سعادت انسانها و همزیستی مسالمت آمیز آنها با صلح و آرامش است دیگر شکافی میان انبیاء نمی‌بیند، و رسول خاتم را نیز معلم الناس الخیر دانسته و به پیروی او می‌پردازند، در نتیجه اختلافات و درگیری‌ها از میان رفته و تبدیل به جامعه‌ای متحد و متماسک می‌شوند، خداوند متعال در این باره چنین می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

مدح رسول خدا (ص) در آئینه‌ی قرآن و سنت

از مفاهیم بسیار مهم اشعار اسلامی عبدالله بن رواحه که الهام گرفته از منبع زلال اسلام است؛ مدح رسول خدا (ص) در آئینه قرآن و سنت به دور از هرگونه غلو و افراط است، البغوی در تفسیر آیه ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۴-۲۲۵]، به نقل از قتاده

می‌نویسد: «يَمْدَحُونَ بِالْبَاطِلِ وَيَسْتَمْعُونَ وَيَهْجُونَ بِالْبَاطِلِ» (البغوی، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۱۳۶). بر اساس این منطق قرآن کریم مدح و هجا در محدوده حق و حقیقت جایز است، و در غیر این صورت تجاوز از حدود اسلام محسوب می‌شود که این تجاوز از مصادیق قابل نقد جامعه جاهلی است، جامعه‌ای که صفات خالق را بر مخلوق داده، و یا اوصاف صالحین را به افراد فاجر می‌پوشانند. رسول گرامی اسلام از این شیوه مدح ظالمانه بر حذر داشته و چنین می‌فرماید: (لَا تُطْرُقُونِي كَمَا أَطْرَقَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ، فَقُولُوا: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ) (البخاری، ۱۴۲۸ق، ۲/ ۸۴۹). ابیات زیر از عبدالله در مدح پیامبر خاتم (ص) است:

وَفِينَا رَسُولُ اللَّهِ يَتْلُو كِتَابَهُ
أَرَانَا الْهُدَى بَعْدَ الْعَمَى فَقُلُوبُنَا
يَبِيتُ يُجَافِي جَنْبَهُ عَنِ فِرَاشِهِ
وَأَعْلَمُ عِلْمًا لَيْسَ بِالظَّنِّ أَنَّنِي
إِذَا انْشَقَّ مَعْرُوفٌ مِنَ الْفَجْرِ سَاطِعُ
بِهِ مُوقِنَاتٌ أَنَّ مَا قَالُوا قَاعُ
إِذَا اسْتَثَقَلَتْ بِالْكَافِرِينَ الْمَصَاجِعُ
إِلَى اللَّهِ مَحْشُورٌ إِلَيْهِ وَرَاجِعُ
(قصاب، ۱۴۰۲ق، ۹۳ و ۹۴)

ترجمه ابیات: در میان ما پیامبری هست که کتاب پروردگار را تلاوت می‌کند، و هرگاه صبح نیکی‌ها طلوع کند با درخشش تمام ظاهر می‌شود. راه هدایت را بر ما نشان داد بعد از آنکه در کوری گمراهی‌ها بودیم، پس قلب‌هایمان بر آنچه می‌گوید کاملاً یقین دارد. پیامبری است شب‌زنده‌دار در حالی که خواب سنگینی کافران را فرا گرفته است. و با یقین تمام ایمان دارم و هیچ شکی ندارم که در روز قیامت زنده و محشور شده و به سوی خداوند برگردانده می‌شوم.

رسول خدا (ص) به عنوان معلم بشریت در تمام مراحل دعوت خود در تزکیه و تعلیم امت و یاران خود کوشیده و راهنمای دلسوزی برای آنها بودند، شاعر در بیت (وَفِينَا رَسُولُ اللَّهِ يَتْلُو كِتَابَهُ...) بر این نکته اشاره کرده و تصویری از آیه شریفه ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (آل عمران: ۱۶۴)، را ارائه می‌دهد.

پیامبر اکرم (ص) با نور وحی، امت اسلامی را راهنمایی و ارشاد کرده و آنها را به اذن خداوند از ظلمات گمراهی‌ها نجات داده و بر نور ایمان و هدایت رهنمون ساختند، شاعر در بیت (أَرَانَا الْهُدَى بَعْدَ الْعَمَى فَقُلُوبُنَا...) بر این مسئله اشاره دارد که برگرفته از آیات کریمه زیر است: ﴿الرَّ*كِتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (البراهیم: ۱). و آیه: ﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ

رُزْقًا ﴿الطلاق: ۱۰، ۱۱﴾. عبدالله در بیت (بَيْتُ يُجَافِي جَنْبَهُ عَنِ فِرَاشِهِ ...) اشاره به عبادت و شب زنده داری پیامبر (ص) دارد که مستمد از آیه شریفه ﴿تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [السجده: ۱۶] است. و در بیتی دیگر می گوید:

لَوْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ آيَاتٌ مُّبَيِّنَةٌ كَانَتْ بَدَاهَتُهُ تُنْبِئُكَ بِالْخَيْرِ

(قصاب، ۱۴۰۲، اق، ۹۴)

ترجمه بیت: ایشان پیامبری است که اگر هیچ معجزه‌ای هم نداشته باشد، سخنان فی البداهه و در عین حال شیوای آن حضرت گواه بر حقانیت رسالت و نبوتش است. که مصراع دوم اشاره دارد به حدیث نبوی: «أُعْطِيَتْ جَوَامِعَ الْكَلِمِ» (النيسابوری، ۱۴۲۷ق: ۲۲۷)، و این بیت شاهدهی است به اعجاز بودن سخنان و احادیث رسول خدا (ص).

عبدالله هنگام رفتن به جنگ مؤته، وقتی با رسول خدا (ص) وداع کرد ابیاتی سرود که بیت زیر از جمله آن است:

خَلَفَ السَّلَامَ عَلَى امْرِيٍّ وَدَّعْتُهُ فِي النَّخْلِ خَيْرٌ مُشَيعٍ وَخَلِيلِ

(قصاب، ۱۴۰۲، اق، ۹۵)

ترجمه بیت: بعد از رفتنم سلام خداوند بر بهترین یار و همراهی باد که در نخلستان با وی وداع و خداحافظی کردم.

جمله (خَيْرٌ مُشَيعٍ) اشاره دارد به حدیث نبوی: «أَسْتودِعُكَ اللهُ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ» (ابن ماجه، ۴۰۶: ۴۸۰)، که رسول خدا همیشه با این جمله وداع و خداحافظی می کردند.

ایمان به شفاعت رسول خدا (ص) در روز قیامت

از مفاهیم جدید و بدیهیات اسلام ایمان به شفاعت رسول خداوند در روز قیامت است، عبدالله آن را اینگونه به تصویر می کشد:

إِنِّي تَفَرَّسْتُ فِيكَ الْخَيْرَ أَعْرِفُهُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَنْ مَا خَانَنِي الْخَيْرُ

أَنْتَ النَّبِيُّ وَمَنْ يُحْرَمَ شَفَاعَتَهُ يَوْمَ الْحِسَابِ لَقَدْ أَرَزَى بِهِ الْقَدْرُ

فَتَّبَتَ اللَّهُ مَا آتَاكَ مِنْ حَسَنِ تَنْبَيْتَ مُوسَى وَنَصْرًا كَالَّذِي نُصِرُوا

(قصاب، ۱۴۰۲، اق، ۹۴)

ترجمه ابیات: من به زیرکی خیر و نیکی را به ظاهر در شما مشاهده کردم، و خداوند خود شاهد است بر حقانیت نبوت شما که در خبر دادن هیچگاه خیانتی نمی کند. تو پیامبری هستی که هر کس از شفاعتت در روز قیامت محروم شود سرنوشت بر او بدی کرده است. ای رسول خدا؛ خداوند

بر آنچه از نیکی‌ها بر شما عطا کرده ثابت قدم و پیروزمند گرداند همچنانکه موسی (ع) را استقامت و نصرت بخشید.

پیامبر بعد از شنیدن بیت اخیر از زبان عبدالله فرمود: «وَأَنْتَ، فَتَبَّتْكَ اللَّهُ يَا ابْنَ رَوَاحَةَ» (ابن کثیر، ۴۱۸ق: ۱۶/۴۵۶).

محبت و احترام به اهل بیت پیامبر (ص)

محبت و احترام به اهل بیت پیامبر (ص) از تکالیف دینی مسلمانان است که قرآن کریم و سنت شریف رسول خدا بر این امر دستور می‌دهد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ [الشوری: ۲۳]، و نیز آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳]، و رسول خدا می‌فرماید: «يا أيها الناس إني قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا؛ كتاب الله وعتري أهل بيتي» (الترمذی، ۱۴۱۷ق: ۸۵۵). عبدالله بن رواحه با الهام از این آیات و روایات اینگونه اهل بیت پیامبر را مدح می‌کند:

يَا آلَ هَاشِمٍ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الرِّيَّةِ فَضْلاً مَا لَهُ عَرِيٌّ

(قصاب، ۱۴۰۲ق: ۹۴)

ترجمه بیت: ای آل هشام؛ یقیناً خداوند شما را بر مردمان فضل و برتری بخشیده است، فضیلتی که در دیگران وجود ندارد. همچنین عبدالله در رثای حمزه عموی پیامبر می‌گوید:

أَلَا يَا هَاشِمَ الْأَخْيَارِ صَبْرًا فَكُلُّ فِعَالِكُمْ حَسَنٌ جَمِيلٌ

(همان، ۱۰۰)

ترجمه بیت: ای آل هشام، وای نیکان؛ در برابر این مصیبت صبر کنید، که تمام اعمال و رفتار شما نیک و زیباست.

جامعه جاهلی جدای از اذیت رسول خدا به خانواده و اهل بیت ایشان دشمنی‌ها روا داشتند در حالی که اولین خانواده‌ای که سزاوار احترام و محبت هستند اهل بیت رسول خدا است، عبدالله با نقد چنین جامعه‌ای با این رویکرد به دور از اخلاق همگان را به محبت اهل بیت پیامبر دعوت می‌کند.

سرودن شعر برای ایجاد شوق

از دیرباز شعر وسیله‌ای بود برای تشویق و ایجاد نشاط در حین انجام کاری، و برای گسترش همکاری در یک عمل جمعی. عبدالله بن رواحه در صدر اسلام از این فرهنگ غافل نشد و در هنگام ساخت مسجد قباء توسط مسلمانان که پیامبر اکرم (ص) نیز با آنها همکاری داشت، ابیات زیر را سرود:

أَفْلَحَ مَنْ يُعَاجِزُ الْمَسَاجِدَا وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَقَاعِدًا
وَلَا يَبِيتُ اللَّيْلَ عَنْهُ رَاقِدًا وَمَنْ يُزِي عَنِ الْغُبَارِ حَائِدًا
(همان، ۱۰۰)

ترجمه ابیات: کسی که مساجد را ساخته و آباد کند، و قرآن کریم را نشسته یا ایستاده قرائت کند، پیروزمند می‌شود، کسی که شب با خواب بدون خواندن قرآن، غفلت نمی‌کند. همچنین از اشعار تشویقی عبدالله برای ایجاد نشاط بین مسلمانان ابیات زیر است که در هنگام حفر خندق سرود:

تَاللَّهِ لَوْلَا اللَّهُ مَا اهْتَدَيْنَا وَ مَا تَصَدَّقْنَا وَلَا صَلَّيْنَا
الْكَافِرُونَ قَدْ بَغَوْا عَلَيْنَا إِذَا أَرَادُوا فِتْنَةً أَبَيْنَا
فَاغْفِرْ فِدَاءً لَكَ مَا اقْتَفَيْنَا وَ تَبَّتِ الْأَقْدَامُ إِنْ لَاقَيْنَا
وَ أَنْزَلْنَا سَكِينَةً عَلَيْنَا وَ نُحْنُ عَنْ فَضْلِكَ مَا اسْتَغْنَيْنَا
(همان، ۹۶)

ترجمه ابیات: به خدا قسم، اگر لطف و احسان خداوند نبود ما - به سوی اسلام - هدایت نمی‌یافتیم، و بر مبنای آن نماز نمی‌خواندیم و صدقه نمی‌دادیم. گروه کافران بر علیه ما دشمنی‌ها روا داشتند و اراده‌ی فتنه‌ها کردند که ما از افتادن در دام آنها خودداری کردیم. پروردگارا! جانمان فدای دینت، از سر گناهان و تقصیراتمان بگذر، و وقتی با دشمنان در کارزار جنگ روبرو شدیم ما را ثلثت قدم بفرما، و بر قلب‌هایمان آرامش و وقار نازل بفرما، حال آنکه ما لحظه‌ای از لطف و مرحمت شما بی‌نیاز نیستیم.

در فرهنگ جاهلی شعرهای زیادی در ایجاد نشاط برای جنگ‌های قبیله‌ای و خونریزی‌های به دور از عقلانیت سروده شده است، ولی عبدالله این فرهنگ را اصلاح کرده و انشاد چنین اشعاری را برای مناسبت‌های نیکو سزاوار می‌داند.

آرمانهای بلند جهاد اسلامی

با مطالعه ابیات جاهلی عبدالله بن رواحه به این نتیجه می‌رسیم که جنگ‌های بین قبیله‌های آن دوره بر اساس تعصبات جاهلی و یا رسیدن به کالای بی ارزش دنیا و ... بود، اما با مطالعه اشعار اسلامی عبدالله در خصوص شعرهای مربوط به جهاد اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که هدف؛ ایجاد حریت و آزادی در میان مردمانی است که بر ظلم حاکمان مستبد گرفتار شده، و به جای بندگی خداوند، برده‌ظالمان شده‌اند. در اسلام هدف از جهاد رسیدن به دنیا نیست بلکه رساندن مردمان مظلوم به دنیایشان است که پادشاهان آن را از رعیت غضب کرده‌اند. عبدالله با نقد مفاهیم جاهلی جنگ‌ها،

آرمانهای سلامی جدید را جایگزین آن می‌کند، ابیات زیر از شاعر که همزمان با جنگ مؤته سروده است بر این موضوع اشاره دارد:

فَلَا وَأَبِي مَأَبٍ لَنَأْتِيَنَّهَا وَإِنْ كَانَتْ بِهَا عَرَبٌ وَرُومٌ
فَعَبَّأْنَا أَعْنَتَهَا فَجَاءَتْ عَوَابِسَ وَالْغُبَارُ لَهَا بَرِيمٌ
بِذِي جَبِّ كَأَنَّ الْبَيْضَ فِيهِ إِذَا بَرَزْتَ فَوَانِسُهَا النُّجُومُ
فِرَاضِيَةَ الْمَعِيشَةِ طَلَّقْتُهَا أَسْنَتُهَا فَتَنَكِّحُ أَوْ تَتِيمٌ

(همان، ۹۷)

ترجمه ابیات: به خدا قسم به سمت شهر مأب خواهیم آمد، هر چند که در آن دشمنانی از عرب و روم باشد. مرکبهای خود را جهت مقابله آماده کردیم که بسیار ترش‌رو و گرد و غبار نشسته بر روی آنها است. چنان جنگی رخ دهد که در میان هیاهوی صداها و تاریکی غبار جنگ نوک کلاه‌خودهای غبار نشسته مانند ستارگان بدرخشد. ما مجاهدانی هستیم که دنیا و زینت‌های آن را طلاق دادیم، و امروز شمشیرهای بران ما بیوه شدن یا همسردار ماندن زنانمان را مشخص خواهد کرد.

آرزوی شهادت در میادین جنگ

از ویژگی‌های شجاعت و مکارم اخلاق در جاهلیت، مرگ در میادین جنگ بود. افراد شجاع مرگ در بستر بیماری را به مرگ شتر بیمار تشبیه می‌کردند، و آرزوی آنها کشته شدن در کارزار جنگ بود. شعرای صدر اسلام از جمله عبدالله بن رواحه نیز در اشعار اسلامی خود این آرزو را منعکس می‌سازند، ولی فاصله میان آرزوی جاهلیت و اسلام همان فاصله بین جاهلیت و اسلام است. مرگ در میدان جنگ دیگر برای فخر دنیوی و یا زبازد مردم شدن نیست، بلکه مفهومی متعالی پیدا کرده و هدف از آن سیراب کردن شجره پاک اسلام، و لیاقت بهشت برین را پیدا کردن است. هدف از شهادت کسب مدح و ثنای مردم نیست، بلکه هدف مورد ثنای ملکوتیان واقع شدن است. عبدالله این مفهوم زیبای شهادت در راه خدا را در زمان وداع با یاران هنگام خروج برای جنگ مؤته که سلامتی او را خواستند، اینگونه به تصویر می‌کشد و جواب می‌دهد:

لَكِنِّي أَسْأَلُ الرَّحْمَنَ مَغْفِرَةً وَضُرْبَةَ ذَاتِ فَرْخٍ تَقْدِفُ الرَّبْدَا
أَوْ طَعْنَةَ بِيَدِي حِرَّانٍ مُجْهَرَةً بِحِرْبَةٍ تُنْفِدُ الْأَحْشَاءَ وَالْكِدَا
حَتَّى يُقَالَ إِذَا مَرُّوا عَلَيَّ جَدِّي أَرْشَدَهُ اللَّهُ مِنْ غَازٍ وَقَدْ رَشَدَا

(همان، ۹۸)

ترجمه ابیات: ولی من از خداوند مهربان آمرزش و سپس شهادت را می‌طلبم، شهادتی که با چنان ضربه‌ی شمشیری بر سرم رخ دهد که عصاره‌ی سرم بیرون بریزد. و یا شهادتم به دست دشمنی تشنه به خونم که چنان با نیزه بدنم را پاره کند که امعا و احشاء بدنم بیرون بریزد. به طوری که هر گاه از کنار قبرم بگذرند بگویند: خدایت بیامرزد ای مجاهدی که رشادت‌ها به خرج دادی.

عبدالله در جنگ مؤته شهادت در راه خدا را انتخاب کرده و اینگونه زهد خود از دنیا را اعلام می‌دارد:

إِذَا أَدْبَيْتَنِي وَحَمَلْتِ رَحْلِي مَسِيرَةَ أَرْبَعِ بَعْدَ الْحَسَاءِ
فَشَأْنُكَ أَنْعُمٌ وَخَلَائِكُ دَمٌّ وَلَا أَرْجِعُ إِلَى أَهْلِي وَرَائِي
وَجَاءَ الْمُسْلِمُونَ وَعَادِرُونِي بِأَرْضِ الشَّامِ مُشْتَهِي الثَّوَاءِ
وَرَدَّكَ كُلُّ ذِي نَسَبٍ قَرِيبٍ إِلَى الرَّحْمَنِ مُنْقَطِعِ الْإِحْوَءِ
هُنَالِكَ لَا أَبْأَلِي طَلْعَ بَعْلِ وَلَا نُخْلَ أَسَافِلَهَا رِوَاءِ
(همان، ۹۸)

ترجمه ابیات: ای مرکب من؛ هرگاه مرا به جایگاهی که بعد از منطقه حساء چهار مسیر فاصله دارد و بار و توشه ام را تا آنجا حمل کردی، تو وظیفه ات را به انجام رساندی و دیگر سرزندی بر تو نیست، پس از آن از خداوند می‌خواهم که مرا با نیل به شهادت به خانواده و شهر و دیارم بازنگرداند. مسلمانان پس از جنگ پیروزمندانه بازگردند در حالی که مرا در سرزمین شام که محل آرزویم برای شهادت است، تنها بگذارند. و تو نیز ای مرکب من با سلامتی به وسیله یاران نزدیکم که من در میانشان نیستم به مدینه بازگردی. در آن سرزمین دیگر به فکر نخل‌های آبیاری‌شونده با دست، و یا به وسیله چشمه‌های زیر زمینی نیستم.

عبدالله در میدان جنگ خود را به استقامت و طلب شهادت دعوت می‌کند، استقامتی که خداوند درباره آن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [فصلت: ۳۰]؛

أَفْسَمْتُ يَا نَفْسُ لَتَنْزِلَنَّه طَائِعَةً أَوْ لَا لَتُكْرِهَنَّه
إِنْ أَجْلَبَ النَّاسُ وَشَادُوا الرَّئِثَه مَا لِي أَرَاكَ تَكْرِهِينَ الْجَنَّةَه
قَدْ طَالَمَا قَدْ كُنْتَ مُطْمَئِنَّه هَلْ أَنْتِ إِلَّا نُطْفَهٌ فِي شَنَّةَه
(همان، ۹۹)

ترجمه ابیات: ای نفس من؛ قسم یاد کردم که در این کارزار شجاعانه بجنگم، خواه تو چه راضی باشی و چه ناراضی. وقتی لشکریان در هیاهوی صدای جنگ هستند چرا تو بی‌قراری می‌کنی و

بهشت برین را دوست نمی‌داری؟! دیر زمانیست که در ناز و نعمت بودی، و تو - ای نفس اماره‌ی من - در نزد من مانند آب کم و بی‌ارزش درون مشک‌ی کهنه هستی.
زمانی که در جنگ مؤتبه با شجاعت تمام شمشیر می‌زد، ضربه‌ای بر وی وارد شده و مجروح شد، در همان حال برای تسلی خود گفت:

هَلْ أَنْتِ إِلَّا إِصْبَعٌ دَمِيَّتِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا لَقِيَّتِ
يَا نَفْسُ إِلَّا تُقْتَلِي تَمُوتِي هَذَا حِيَاضُ الْمَوْتِ قَدْ صَلَّيْتُ
إِنْ تَسَلَّمِي الْيَوْمَ فَلَنْ تَفُوتِي أَوْ تُبْتَلِي فَطَالَمَا عُوفِيَّتِ
وَمَا تَمْنَيْتِ فَقَدْ أُعْطِيَّتِ إِنْ تَفْعَلِي فِعْلَهُمَا هُدِيَّتِ
وَإِنْ تَأَخَّرْتِ فَقَدْ شَفِيَّتِ (همان، ۹۹)

ترجمه ابیات: ای نفس من؛ تو انگشتی هستی که در راه خدا جراحت پیدا کرده و خون آلود شدی، و ای نفس، اگر کشته نشوی در آینده خواهی مرد، و مرگ آبشخوری است که از آن خواهی نوشید. اگر امروز از مرگ نجات یابی فردا به سراغت خواهد آمد، یا با انواع مصائب امتحان خواهی شد، هر چند دیر زمانی است که در خوشی و نعمت بودی، و هرآنچه را که آرزو کردی رسیدی. اگر مانند رشادتهای دو فرمانده جنگ؛ زید و جعفر عمل کنی قطعاً هدایت یافتی، اما اگر به عقب برگردی با زبان و بدبختی مواجه خواهی شد.

ولید قصاب در تعلیق این ابیات می‌گوید:

این جلوه‌ای است از شعر ابن رواحه در بیان مرگ و شوق بر آن، و زهد در دنیا و دوری از آن، شعری که از صدق و ایمان می‌جوشد، و این ابیات بیشتر شبیه به دل نوشته‌ها و زمزمه‌های درونی است که شاعر با اسلوبی روان و الفاظی ساده بیان می‌کند، شعری است که برای آماده‌سازی و ایتقان آن تلاش نشده، بلکه در لحظات سخت با صداقت تمام سروده شده است. (همان، ۹۸)

رثاء و تحول آن در شعر اسلامی عبدالله بن رواحه

نیز یکی از فنون شعری است که معمولاً دیوان اشعار از آن خالی نیست. اشعار جاهلی عبدالله بن رواحه نیز ابیاتی در رثاء دارد که همان خصایص رثای جاهلی را داراست. رثاء جاهلی عموماً متشکل از گریه بر شخص مرده و به گریه لنداختن اطرافیان و نلله و شیون، و گاهی همراه با رفتارهای جاهلی مانند خراشیدن صورت، و دعوت به انتقام است، اما اسلام به ارزشهایی فراتر از این خصلت‌های جاهلی دعوت کرده و شاعرانی چون ابن رواحه به مفهوم رثاء رنگی اسلامی بخشیدند. برای نمونه ابن رواحه در رثای حمزه عموی رسول خدا که در جنگ احد به شهادت رسید، می‌گوید:

بَكَتْ عَيْنِي وَحَقَّ لَهَا بُكَاءُهَا وَمَا يُغْنِي الْبُكَاءُ وَلَا الْعَوِيلُ
عَلَى أَسَدِ الْإِلَهِ عَدَاةً قَالُوا أَحْمَرَةٌ ذَاكُمُ الرَّجُلُ الْقَتِيلُ؟

أُصِيبَ الْمُسْلِمُونَ بِهٖ جَمِيعًا هُنَاكَ وَقَدْ أُصِيبَ بِهٖ الرَّسُولُ
 أَبَا يَغْلَى لَكَ الْأَرْكَانُ هُدَّتْ وَأَنْتَ الْمَاجِدُ الْبِرُّ الْوَصُولُ
 عَلَيَّكَ سَلَامٌ رَبِّكَ فِي جَنَانٍ مُخَالِطَهَا نَعِيمٌ لَا يَزُولُ
 أَلَا يَا هَاشِمَ الْأَخْيَارِ صَبِيرًا فَكُلُّ فِعَالِكُمْ حَسَنٌ جَمِيلٌ
 رَسُولُ اللَّهِ مُصْطَبِرٌ كَرِيمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ يَنْطِقُ إِذْ يَقُولُ

(همان، ۱۰۰)

ترجمه ابیات: چشمم گریان می‌شود و حق دارد که بگرید، ولی گریه و شیون کارساز نیست، بر آن شیر خدا که صبح هنگام گفتند: آیا آن مرد شهید شده همان حمزه است؟ مصیبت حمزه تنها متعلق به رسول خدا نیست، بلکه تمام مسلمانان عزادار ایشان هستند. ای ابویعلی - کنیه حضرت حمزه - با شهادت تو پایه‌های شجاعت فرو ریخت، و تو در مقام والای بزرگی‌ها و نیکی‌ها و صلّه ارحام بودی. سلام خداوند بر تو باد که در بهشت برینی هستی که نعمت‌های آن پایانی ندارد. ای آل هشام، وای نیکان؛ در برابر این مصیبت صبر کنید، که تمام اعمال و رفتار شما نیک و زیباست. رسول خداوند صبر پیشه کرده و بزرگوار است، و هرگاه سخن بگوید به فرمان خداوند سخن می‌گوید.

در جنگ أحد مسلمانان شکست خوردند، و زمانی که ابوسفیان بر پیرویشان فخر کرده و به مدح بت هایشان پرداخت، رسول خدا (ص) به یکی از یارانش دستور داد که در جواب ابوسفیان بگوید: «اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ، قَتَلَانَا فِي الْجَنَّةِ وَقَتَلَاكُمْ فِي النَّارِ» (الصالحی، ۱۴۱۴ق: ۴/۳۶). مفهوم حدیث نبوی این است که شهدای اسلام در بهشت و کشته شدگان مشرکین در آتش جهنم هستند. این همان فرق بین رثای اسلامی و رثای جاهلی است. عبدالله نیز از این تعالیم اسلامی استفاده کرده و با روحی ناقدانه بر مفاهیم رثاء جاهلی سعی در اصلاح این مفاهیم، و اسلامی سازی آنها داشته است. وی در رثای خود خطاب به حمزه می‌گوید: (عَلَيْكَ سَلَامٌ رَبِّكَ فِي جَنَانٍ ...). و بر این شهید بزرگوار بشارت بهشت می‌دهد. در رثای جاهلی رنگ و بویی از صبر بر مصیبت و دعوت به صبر دیده نمی‌شود، ولی در تعالیم اسلام صبر در برابر مصیبت و سختی‌ها بسیار ستوده شده، بلکه عبادتی بزرگ است، خداوند متعال در مورد آن می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰]. عبدالله نیز به تأسی از رسول خدا (ص) آل هاشم را به صبر و بردباری دعوت می‌کند: (أَلَا يَا هَاشِمَ الْأَخْيَارِ صَبِيرًا ...). چرا که در این مصیبت رسول خدا صبر پیشه کرده و راضی به تقدیر الهی است: (رَسُولُ اللَّهِ مُصْطَبِرٌ كَرِيمٌ ...). شایان ذکر است که در صحت انتساب رثاء مذکور بر عبدالله بن رواحه بحث‌هایی وجود دارد که صاحب کتاب؛ سبیل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، این ابیات را متعلق به عبدالله بن رواحه می‌داند. (همان: ۲۳۷/۴)

ولید قصاب درمورد اشعار اسلامی ابن رواحه می‌گوید:

اشعار اسلامی عبدالله بن رواحه اهداف متعالی وی را منعکس می‌سازد، اهدافی که نشانگر التزام شاعر به دین جدید، و وقف شعرش برای دین در تمام معانی و مفاهیم آن است. دیگر در شعر عبدالله فخر بر انساب و نسب و تغزل و امثال آن یافت نمی‌شود، بلکه ما در برابر شعری موجه و هدفمند برای رسیدن به یک هدف والا هستیم و آن همان خدمت به دین جدید و امور مرتبط با آن است. اشعار اسلامی عبدالله بیانگر صفای روح و ایمان صادق ایشان است. (قصاب، ۱۴۰۲: ۱۰۳)

نتایج

با مطالعه اشعار جاهلی و اسلامی عبدالله بن رواحه تأثیر اسلام بر شعر ایشان که در خدمت اسلام و بدور از بیان احساسات شخصی و فخر بر احساب است، و نقد وی از جامعه جاهلی در مفاهیم زیر تبلور پیدا می‌کند:

نقد وی از جامعه جاهلی با فن هجو و در تعییر شرک و کفر مشرکین است که این مفاهیم برای آنها پس از اسلامشان آذاردهنده‌تر بود. نقد دیگر شاعر بر این جامعه عهدشکنی آنها با کوچکترین بهانه بر خلاف تعالیم اسلام است. همچنین از مصادیق قابل نقد جامعه جاهلی آن روزگار عدم وجود قانونی استوار و راهنمایی بخش در تاریکی‌ها است، که نزول قرآن کریم این کاستی را به صورت کامل جبران ساخت. عبدالله با نقد مفاهیم جاهلی جنگ‌ها، آرمان‌های اسلامی جدیدی را جایگزین آن کرد که در تصویرسازی مفاهیم والای جهاد اسلامی در شعر وی نمود پیدا کرده است.

از مصادیق قابل نقد جامعه جاهلی مفاهیم فنون مدح و هجا است که از حقیقت به دور بودند، شاعر فن مدح را با دوری از هرگونه افراط و تفریط، و فن هجا را با دوری از دروغ و تصویر غیر واقع اصلاح، سعی در اصلاح دارد. همچنین شاعر با دیدی ناقدانه سرودن اشعاری با مفاهیم دعوت به شوق و نشاط را برای مناسبت‌های نیکو سزاوار می‌داند تا جنگ‌های قبیله‌ای و خونریزی‌های به دور از عقلانیت. همچنین شاعر با رویکردی ناقدانه بر مفاهیم رثاء جاهلی سعی در اصلاح مفاهیم این اشعار از مصادیق جاهلی مانند دعوت به خون‌خواهی و انتقام، به اسلامی کردن آن مفاهیم با دعوت بر صبر و تفکر در عاقبت نیک بردباری و ... تلاش می‌کند.

از مصادیق تأثیر اسلام بر شعر ابن رواحه با الهام‌گیری از عاقبت امت‌های سابق، دعوت مشرکین به ایمان قبل از فرارسیدن مرگ است که در غیر این صورت عذاب الهی در دنیا و جهنم سوزان در آخرت دامنگیرشان خواهد بود. نیز از جلوه‌های تأثیر اسلام بر شعر شاعر ایمان به غیبیاتی است که پیامبر از آنها خبر داده است مانند ایمان به جهان آخرت، بهشت و جهنم، و ایمان به شفاعت در روز قیامت، و وجود موجوداتی همچون ملائکه. همچنین ایمان به پیامبران سابق که ذکر برخی از آنها همچون حضرت عیسی و یحیی و زکریا و هود علیهم السلام در اشعارش به چشم می‌خورد. از مصادیق بارز تأثیر اسلام بر شعر ابن رواحه دعوت به محبت و احترام به اهل بیت رسول خدا است،

که به صورت زیبا در اشعار اسلامی وی نمود پیدا کرده است. همچنین از این نوع مصادیق دعوت شاعر بر استقامت در مسیر بندگی و دوری از منهیات و سختی‌های جهاد اسلامی است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن کثیر، عماد الدین أبی الفداء. (۱۴۱۸). *البدایة والنهایة*. دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ابن ماجة القزوینی، محمد بن یزید. (۱۴۰۶). *سنن ابن ماجة*. مکتبه المعارف للنشر والتوزیع.
- أحمد بن حنبل. (د. ت.). *المسند*. مؤسسه الرساله.
- الأصفهانی، أبو الفرج. (۱۹۳۶). *الأغانی*. دار الکتب المصریة.
- اکبری فر، سمیه. (۱۴۳۳). *الالتزام الدینی فی العصر الاسلامی حتی نهائیه العصر الأموی* (پایان نامه کارشناسی ارشد). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- باوان پوری، مسعود، عزیزی پور، محمدرضا، و لریستانی، نرجس. (۲۰۱۸). مظاهر التناص الدینی فی شعر عبدالله بن رواحه. *مجلة الكلية الاسلامية للجامعة*، ۱(۴۸)، ۳۲۱-۳۳۲. <https://iu-juic.com/index.php/juic/article/view/1481>
- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۹). *صحیح البخاری*. بیت الأفكار الدولية للنشر.
- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۸). *صحیح البخاری*. دار الفکر.
- البغوی، الحسین بن مسعود. (۱۴۰۹). *تفسیر البغوی*. دار طیبة.
- البیهقی، ابوبکر أحمد بن الحسین. (۱۴۰۸). *دلائل النبوة*. دار الکتب العلمیة.
- الترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۷). *سنن الترمذی*. مکتبه المعارف للنشر والتوزیع.
- الجمحی، ابن سلام. (د. ت.). *طبقات فحول الشعراء*. مطبعة جامعة الإمام محمد بن سعود.
- حسان بن ثابت. (۱۴۱۴). *دیوان حسان بن ثابت*. دار الکتب العلمیة.
- حیدری، عادل، عطاش، عبدالرضا، و عبدالکریم، آلبوغیش. (۲۰۲۱). بصمات بلاغیة فی المدائح النبویة فی أشعار عبدالله بن رواحه الأنصاری. *مجلة الكلية الاسلامية للجامعة*، ۱(۵۹)، ۵۷۳-۵۸۶. <https://iu-juic.com/index.php/juic/article/view/1962>
- السجستانی، أبو داود سلیمان بن الأشعث. (۱۴۲۴). *سنن أبی داود*. مکتبه المعارف للنشر والتوزیع.
- سلطان، جمیل. (۱۴۱۵). *عبدالله بن رواحه أمير شهيد وشاعر على سرير من ذهب*. دار القلم.
- السیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۸). *صحیح الجامع الصغیر*. المکتب الاسلامی.
- الشوربجی، نادیه محمد. (۱۴۰۶). *عبدالله بن رواحه وشعره الاسلامی*. جامعة ملک سعود.
- الشویعر، محمد بن سعد. (۱۴۰۶). *عبدالله بن رواحه رائد الشعر الجهاد الإسلامي، حياته ودراسة في شعره*. منشورات دار الرفاعي للنشر والتوزیع.
- الصالحی الشامی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۴). *سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد*. دار الکتب العلمیة.
- ضیف، شوقی. (۱۴۳۱). *تاریخ الأدب العربی "العصر الإسلامی"*. دار المعارف.
- فروخ، عمر. (۱۹۸۴). *تاریخ الادب العربی*. دار العلم للملايين.

قصاب، ولید. (۱۴۰۱). دیوان عبدالله بن رواحه ودراسة فی سیرته وشعره. دار العلوم. قلندریان، حمید. (۱۳۹۴). تأثیر شعر صدر اسلام در پیشبرد اهداف پیامبر (ص) (رساله دکتری). دانشگاه فردوسی، مشهد.

اللامی، آلاط جمعه هادیری. (۱۴۰۱). تصویر پردازی در سروده‌های عبدالله بن رواحه انصاری (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید چمران، اهواز.

النیسابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۲۷). صحیح مسلم. دار طیبة.